


دورهنامه تاریخ ادبیات

دوره ۱۴، شماره ۲، (پیاپی ۸۵/۲) پاییز و زمستان ۱۴۰۰

مقاله علمی - پژوهشی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۲۲

10.29252/hlit.2022.220635.1017 

نقد دو تصحیح از گل و نوروز خواجهی کرمانی (ص ۸۵-۱۱۲)

نسرین ستایش^۱، محسن محمدی فشارکی^۲

چکیده

مثنوی عاشقانه گل و نوروز خواجهی کرمانی، شاعر نامدار و خلاق قرن هشتم، اول بار به همت «کمال عینی» و بار دوم به کوشش «سعید نیاز کرمانی» تصحیح شده است. این دو تصحیح نواقص و ایرادات متعددی دارند. مهم‌ترین ایراد کار دو مصحح، روشمند نبودن کار آن‌هاست یعنی آن‌ها بر اساس نسخه‌های موجود، روش مشخص و مطلوبی را برای تصحیح متن اختیار نکرده‌اند. علاوه بر این، توجه نکردن به ویژگی‌های سبکی، معنای کلمات و معنی بیت و روایت داستان، سبب‌ساز بیشتر بدخوانی‌ها از این متن ارزشمند شده است. هرچند نیاز کرمانی بخشی از ایرادات تصحیح کمال عینی را برطرف کرده است اما همچنان متن مصحح ایشان نیز خطاها و کاستی‌هایی دارد که این تصحیح را از یک متن علمی و منتقح دور می‌سازد. نگارندگان در تحقیق حاضر به روش توصیفی-تحلیلی تلاش کرده‌اند این دو تصحیح را در بوته نقد قرار دهند و نشان دهند این متن ارزشمند نیازمند تصحیح جدید و علمی است.

کلیدواژه‌ها: تصحیح، نقد، گل و نوروز، خواجهی کرمانی، کمال عینی، نیاز کرمانی.

beh_nasrin@yahoo.com

۱. دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

fesharaki311@yahoo.com

۲. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)

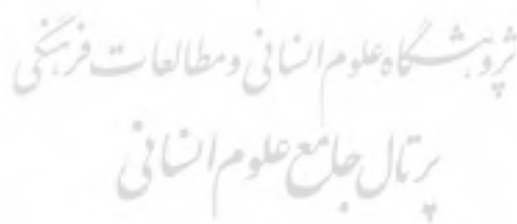
A Critique of Two Critical Editions of Khaju Kermani's *Gol o Nowruz*

Nasrin Setayesh¹, Mohsen Mohammadi Fesharaki²

Abstract

Gol o Nowruz, the romantic masnavi of Khaju Kermani, the prominent and creative poet of the eighth century AH, has been critically edited for the first time by Kamal Eini and afterward by Saeed Niaz Kermani. These two critical editions have several shortcomings and problems that have been addressed in this study. The key shortcoming of their works lies in the absence of methodology; they have not adopted a specific method for editing the text of the available manuscripts. Moreover, neglecting the stylistic features of the text, the meanings of the words and verses, and the story's narration has caused misreadings of this valuable text. Although Niaz Kermani has overcome some of the shortcomings of Kamal Eini's work, his edition has its errors and inadequacies. In the present study, by a descriptive-analytical method, the two critical editions of *Gol o Nowruz* have been criticized. The flaws of both critical editions show that this valuable text requires a new and scientific critical edition.

Keywords: Critical edition, critique, *Gol o Nowruz*, Khaju Kermani, Kamal Eini, Niaz Kermani.



-
1. Ph.D. candidate, Persian Language and Literature, University of Isfahan, Isfahan, Iran, email: beh_nasrin@yahoo.com
 2. Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, University of Isfahan, Isfahan, Iran (corresponding author), email: fesharaki311@yahoo.com

۱. مقدمه

تصحیح متون کهن، یکی از دقیق‌ترین و مهم‌ترین مباحث نقد ادبی است که در آن از روی نسخ خطی موجود، نسخه اصلی یا قریب به اصل اثری را احیا و مرتب و تدوین می‌کنند (زرین‌کوب، ۱۳۶۱: ۹۴). محققان دهه‌های بیست و سی قرن چهاردهم خورشیدی پس از آشنایی با روش تصحیح، متون برجسته و معتبری را تصحیح کردند. جریان تصحیح متون عمده و مهم تا دهه شصت نیز ادامه یافت و پس از این نیز آثار کمتر شناخته شده، عرضه میدان تصحیح شدند. این جریان را می‌توان یک نهضت به حساب آورد چون تقریباً همه محققان به تصحیح روی آوردند و به نوعی بین آن‌ها رقابت نیز شکل گرفت. نگاهی به تاریخ چاپ اول بسیاری از آثار مصحح نشان می‌دهد چگونه این آثار در فاصله زمانی کوتاه چند بار به دست چند نفر تصحیح و چاپ شده‌اند. نتیجه این رقابت‌ها تصحیحات شتاب‌زده‌ای بود که نواقص بی‌شماری دارند. عرضه نشدن آثار مصحح متقن و دقیق و نیز شکل نگرفتن آثاری درباره روش‌های درست و معیار تصحیح نیز از نتایج این رقابت‌ها و شتاب‌زدگی‌هاست. پس از این با گذشت چند دهه محققان و مصححان جدیدی پا به این عرصه نهادند و علاوه بر تصحیح متون متأخر به نقد تصحیح متون پیشین پرداختند. نگاهی به فهرست مقالات و پایان‌نامه‌ها نشان‌دهنده تحقیقاتی است که در زمینه ضرورت تصحیح مجدد آثار گوناگون از جمله تصحیحات آثار خواجوی کرمانی صورت گرفته است.

خواجوی کرمانی از شعرای بنام قرن هشتم و از خواجگان و بزرگ‌زادگان کرمان بوده و در زمان حیاتش بسیار مورد توجه و اقبال ادیبان و سخن‌سنجان بوده است. او را پی‌ریز غزل عارفانه-عاشقانه قرن هشتم و غزل‌هایش را حلقه اتصال میان غزل سعدی و حافظ دانسته‌اند. اگرچه در مثنوی‌سرایی به شیوه نظامی نظر داشته و از مقلدان او به شمار رفته است اما آثارش تقلید صرف نیست و کوشیده تا با افزودن منظومه‌های مستقل و مبتکرانه راه دیگری را بییابد.

مثنوی گل و نوروز خواجوی کرمانی از جمله آثار عاشقانه‌ای است که در آن عشق میان نوروز، شاهزاده ایرانی، و گل، شاهزاده رومی، به رشته نظم درآمده است. این اثر اول بار به همت کمال عینی در سال ۱۳۵۰ با عنوان گل و نوروز به چاپ رسید و در سال ۱۳۷۰ بدون بازنگری با سرمایه انتشارات مطالعات و تحقیقات فرهنگی تجدید چاپ شد. در همان سال، سعید نیاز کرمانی نیز گل و نوروز را ذیل *خمسه خواجوی کرمانی تصحیح و با سرمایه انتشارات دانشگاه کرمان به چاپ رسانید.*

با همه تلاش و دقت نظری که دو مصحح گرامی صرف کردند، متأسفانه هنوز ایرادات و نواقص متعددی در این دو تصحیح دیده می‌شود. با وجود نسخه‌های قدیمی فراوان از مثنوی گل و نوروز در کتابخانه‌های ایران، در این دو تصحیح کمتر از آن‌ها بهره برده شده و گاهی از نسخه‌ای که اساس دو

تصحیح بوده بی هیچ دلیل عدول شده است. گاهی نیز ضبط یکی از نسخه‌ها بر نسخه‌ اساس برتری داشته ولی نادیده گرفته شده و همان ضبط ناصحیح اساس حفظ شده است. همچنین بسیاری از کاستی‌ها و خطاخوانی‌ها در این دو اثر ناشی از شیوه تصحیح و نقصان نسخه بدل‌هاست که خطاخوانی‌ها و غلط‌های مطبعی نیز بر آن افزوده شده و از صحت و اعتبار آن‌ها کاسته است. گفتار حاضر در نظر دارد با بررسی جوانب مختلف این دو تصحیح و مرتفع ساختن بخشی از این اشکالات، نشان دهد که تصحیح این دو اثر تا چه اندازه از شیوه علمی و دقیق دور شده است و نیاز به بازنگری و تصحیح مجدد دارد.

۱-۱. بیان مسئله

محققان و مصححان برجسته‌ای برای ارائه تصحیح انتقادی آثار کهن و احیای متون ارزشمند پیشین تلاش کرده‌اند اما هنوز بسیاری از آثار گذشته ادب فارسی به طبع انتقادی نرسیده‌اند و به تصحیح مجدد نیاز دارند. در تصحیح انتقادی متون که علمی‌ترین روش تصحیح است مصحح بر اساس کهن‌ترین نسخه و با مقابله نسخ دیگر صحیح‌ترین و نزدیک‌ترین واژگان به بیان مؤلف را اختیار می‌کند که لازمه آن دسترسی به نسخه‌های خطی قابل اعتماد و معتبر است. خواجهی کرمانی از جمله شاعرانی است که آثارش کمتر از این منظر مورد توجه قرار گرفته است. مثنوی «گل و نوروز» او اگرچه تاکنون دو بار به چاپ رسیده، همچنان فاقد معیارهای علمی و ارزش‌های ادبی برای ارائه به جامعه دانشگاهی است و نیاز به تصحیح انتقادی و بازنگری و مقابله مجدد با نسخه‌های موجود و معتبر دارد.

۱-۲. پیشینه پژوهش

بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که تحقیقی در زمینه نقد و بیان کاستی‌های تصحیحات موجود از منظومه گل و نوروز خواجهی کرمانی صورت نگرفته است اما پژوهش‌هایی در باب نقد و بررسی تصحیحاتی که از دیگر آثار خواجهی کرمانی انجام شده است وجود دارد و ضرورت تصحیح مجدد آن‌ها را بیان می‌کند:

«ضرورت تصحیح انتقادی غزل‌های خواجهی کرمانی» از محمود عابدی و رحمان ذبیحی، زمستان ۱۳۸۷. غزل‌های خواجه به کوشش سهیلی خوانساری فراهم شده است. نگارندگان مقاله به خطاخوانی‌ها و غلط‌های چاپی این مجموعه اشاره کرده‌اند.

«ضرورت تصحیح انتقادی دیوان خواجهی کرمانی» از حسین جلال‌پور، بهار ۱۳۹۲. دیوان خواجه به

کوشش سهیلی خوانساری فراهم شده است. نگارنده مقاله به اشکالات این تصحیح از جمله استفاده نشدن از همه نسخ و اشتباهات راه یافته در آن اشاره کرده است.

«ضرورت تصحیح انتقادی کمال نامه خواجهی کرمانی» از ندا ابن علی، مرداد و شهریور ۱۳۹۰.

کمال نامه به کوشش نیاز کرمانی در قالب خمسه خواجه چاپ شده است. در این مقاله به بدخوانی های مصحح اشاره و روش تصحیح او نقد شده است.

«نگاهی به تصحیح منظومه های و همایون به اهتمام کمال عینی» از محمد مهدی معلمی و مرتضی رزاق پور، تابستان. نگارندگان به اشکالات این تصحیح (که عبارت اند از عدول از ضبط صحیح نسخه اساس، بدخوانی، ندیدن کلمه یا عبارت و نادیده گرفتن ضبط نسخه بدل ها) اشاره کرده اند.

همان طور که بیان شد تاکنون نقدی بر دو تصحیح موجود از مثنوی گل و نوروز صورت نگرفته و در این مقوله تلاش شده است که این اثر ارزشمند و گرانبه از این منظر مورد مذاقه و بازنگری قرار گیرد.

۱-۳. معرفی و بررسی دو تصحیح پیشین

منظومه عاشقانه گل و نوروز را اولین بار کمال عینی، محقق و ادیب تاجیکی، حدود پنجاه سال پیش با همکاری بنیاد فرهنگ ایران و مؤسسه خاورشناسی علوم ازبکستان تصحیح انتقادی کرده است. مصحح نسخه قدیمی مربوط به سال ۷۵۰ را که سه سال پیش از وفات شاعر کتابت شده، اساس کار تصحیح خویش قرار داده است. این اثر در سال ۱۳۷۰ با سرمایه مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی تجدید چاپ شده است. سعید نیاز کرمانی نیز در سال ۱۳۷۰ این منظومه را ذیل خمسه خواجهی کرمانی و با مقابله چهار نسخه و چاپ کمال عینی به طبع رسانده است. البته یکی از نسخه هایی که ایشان استفاده کرده فاقد مثنوی گل و نوروز است و مصحح در مقدمه تصحیح به آن اشاره ای نکرده است. معرفی نسخ و شیوه تصحیح این دو مصحح در ادامه آمده است:

۱-۳-۱. تصحیح کمال عینی

نسخه هایی که کمال از آن ها برای تصحیح گل و نوروز بهره برده، چنین معرفی شده است:

«نسخه د) نسخه خطی کلیات خواجه که نسخه اساس مصحح و کتابت ۷۵۰ هجری (سه سال پیش از فوت شاعر) به خط تعلیق محمد بن عمران کرمانی است.

«نسخه س) نسخه خطی کلیات خواجه که گل و نوروز در آن ناتمام مانده و در ۸۲۰ هجری کتابت شده است و به شماره ۲۹۷ در کتابخانه مجلس نگهداری می شود.

- نسخه م) نسخه خطی کلیات خواجه کتابت شده در ۸۲۹ هجری به قلم محمد بن مطهر بن یوسف بن ابوسعید قاضی نیشابوری است. این نسخه به شماره ۵۹۶۳ در کتابخانه ملک نگهداری می‌شود.
- نسخه ب) نسخه خطی داستان خواجه کرمانی با شماره ۲۱۱۲ در گنجینه نسخ خطی فرهنگستان علوم ازبکستان نگهداری می‌شود و به گفته کمال عینی کتابت قرن چهاردهم و پانزدهم میلادی است (نک. خواجه کرمانی ۱۳۷۰ الف: پانزده تا سی).

کمال عینی درباره روش خود در تصحیح گل و نوروز نوشته است: «نگارنده در ظرف سال‌های متمادی درصدد جستجوی نسخه‌های قدیمی و معتبر داستان‌های خواجه کرمانی برآمده که تا از راه مقابله نسخ مختلف متن انتقادی داستان‌های شاعر را فراهم آورد» (خواجه کرمانی، ۱۳۷۰ الف: چهارده). ایشان پس از معرفی چهار نسخه‌ای که در اختیار داشته، نوشته است: «نسخه س به عنوان نسخه معتبر دوم مورد استفاده قرار گرفت ... نسخه م به عنوان منبع سوم مورد توجه قرار گرفته است ... و نسخه د که کمتر از سایر دستنویس‌های گل و نوروز دچار تصرفات کاتب واقع گردیده است بدین جهت نسخه د اساس کار مقابله و تصحیح قرار گرفت و در عین حال از سایر نسخه‌هایی که در دسترس ما بود - نسخ س، م، ب استفاده نمودیم» (همان: هیجده، بیست و چهار، سی و یک).

او در جای دیگر اشاره می‌کند که بسیاری از نسخ موجود در کتابخانه‌های ازبکستان، لنینگراد، شوروی، آستان قدس رضوی، مجلس شورای اسلامی، دانشگاه تهران و چندین نسخه دیگر را مطالعه و با هم مقابله کرده و به این نتیجه رسیده که نسخه «د» از همه قدیمی‌تر و کامل‌تر است (همان: سی و یک). سؤالی که مطرح می‌شود، این است که با دسترسی‌ای که ایشان به نسخه‌های متعدد گل و نوروز داشته‌اند چرا دو نسخه «س» و «م» که به گفته خود ایشان ناتمام و دارای افتادگی بوده، به عنوان نسخه بدل انتخاب شده است؟ (نک. همان: صفحات بیست و سه، و بیست و هفت). او همچنین در صفحه بیست و هفت ضمن معرفی نسخه «م» از نسخه «ل» صحبت می‌کند که در معرفی نسخه‌ها به آن اشاره‌ای نکرده است. بهتر بود ایشان با فراهم آوردن نسخه بدل‌های بیشتر و کامل‌تر از روش بینابین برای تصحیح بهره می‌برد.

۱-۳-۲. تصحیح نیاز کرمانی

نسخه‌هایی که نیاز کرمانی معرفی کرده، چنین هستند:

الف. نسخه تعلیق) نسخه خطی خمس خواجه کرمانی کتابت در ۷۵۰ هجری به خط محمد بن عمران کرمانی موجود در کتابخانه ملی ملک است. این نسخه همان نسخه اولی است که در ذیل نسخ

کمال عینی معرفی شد.

ب. نسخه نستعلیق) نسخه خطی خمسۀ خواجوی کرمانی کتابت در ۱۳۴۴ هجری به خط سید احمد.
 ج. نسخه مجلس) نسخه خطی خمسۀ خواجو کتابت در ۹۷۰ هجری به خط علی بن لطف الله معاد الحسینی که در کتابخانه مجلس به شماره ۹۲۶ محفوظ است.
 د. نسخه دانشگاه) نسخه خطی خمسۀ خواجوی کرمانی کتابت در ۸۰۸ هجری به خط حسن بن یوسف بن احمد الموصلی که در کتابخانه دانشگاه تهران نگهداری می‌شود.
 نیاز کرمانی ضمن معرفی کوتاه از نسخه‌هایی که در اختیار داشته، نوشته است: «الف- نسخه تعلیق که در صفحات به همین نام تعلیق ذکر شده است صحیح‌ترین نسخه موجود است و از همین رو اساس کار این نسخه قرار گرفت ... نسخه ب دارای غلط‌های فاحش است و نهایت چون در مقابله در بعضی مواقع کارگشا بوده است ناچار مورد استفاده قرار گرفت ... نسخه ج از نظر صحت ضبط نسخه‌ای معتبر است و نسخه د بعضی صفحات آن افتاده است که در متن به آن اشاره شده [است]» (خواجوی کرمانی، ۱۳۷۰: ب: ۳۸).

نیاز کرمانی همان‌گونه که خودش اشاره می‌کند در تصحیح، از نسخه بدل متأخری استفاده کرده که دارای غلط‌های فاحش بوده ولی به ناچار از آن بهره برده است. نکته اینجاست که با توجه به وجود نسخه‌های قدیمی‌تری که عینی پیش‌تر به آن اشاره کرده بود چه اجباری به استفاده از یک نسخه فاقد اعتبار بوده است. همچنین علائم اختصاری که برای هر یک از این نسخ در پاورقی آمده، قبلاً معرفی نشده است. ایشان از حروف «تع، نم، دا، مج، کم» استفاده کرده است. به نظر می‌رسد علائم اختصاری در پاورقی‌ها چنین هستند:

- «تع»: نسخه تعلیق

- «کم»: گل و نوروز چاپ شده (تصحیح کمال عینی)

- «دا»: نسخه د

- «مج»: نسخه ج

- «نم»: نسخه ب

اگرچه نیاز کرمانی در معرفی نسخ از چهار نسخه نام می‌برد ولی در پاورقی‌ها هیچ اثری از نسخه «ج» یا «مج» دیده نمی‌شود یعنی ایشان در تصحیح خود عملاً از سه نسخه بهره برده است که یکی از آن‌ها نیز فاقد اعتبار لازم به‌عنوان نسخه بدل است. نیاز کرمانی نیز همچون کمال عینی تصحیحش را بر اساس قدیمی‌ترین نسخ (نسخه اقدم) انجام داده است.

۱-۴. روش نقد دو تصحیح گل و نوروز

روش پژوهش این است که ضبط‌های دو مصحح بر اساس محتوا یا سبک یا معنا یا آرایه‌های بلاغی نقد شده و در نهایت ضبط درست ابیات با استناد به نسخ معتبر ارائه شده است.

چهار نسخه زیر از بین نسخ موجود در کتابخانه‌های ایران برای نقد دو تصحیح نیاز کرمانی و کمال عینی انتخاب شده است. سه نسخه از این نسخ در دو تصحیح نامبرده استفاده شده‌اند، اما خواندن دقیق آن‌ها نشان می‌دهد که مصححان بدخوانی‌های فراوانی از این نسخ داشته‌اند. نسخه چهارم نیز به جهت مزایایی که دارد (همچون کامل و خوانا بودن و نیز قدمت آن) انتخاب شد. بدین ترتیب نسخ استفاده‌شده عبارت‌اند از:

- نسخه خطی کلیات خواجه کرمانی کتابت ۷۵۰ هجری به خط تعلیق محمد بن عمران کرمانی که اکنون به شماره ۵۹۸۰ در کتابخانه ملک نگهداری می‌شود. این نسخه را در نوشتار حاضر با علامت اختصاری L نشان داده‌ایم.

- نسخه خطی کلیات^۱ کتابت در ۸۰۸ هجری به خط حسن بن یوسف بن احمد الموصلی که در کتابخانه دانشگاه تهران به شماره ۵۱۵۴ نگهداری می‌شود. این نسخه را با علامت اختصاری T نشان داده‌ایم.

- نسخه خطی خمس خواجه که در ۹۵۳ هجری به قلم مرشد کاتب الشیرازی کتابت شده است. این نسخه به شماره ۴۱۵ در کتابخانه سپهسالار نگهداری می‌شود و در گفتار حاضر آن را با علامت U نشان داده‌ایم.

- نسخه خطی خمس خواجه کتابت در ۹۷۰ هجری به خط علی بن لطف الله معاد الحسینی که در کتابخانه مجلس به شماره ۹۲۶ محفوظ است. این نسخه به خط نستعلیق است و مثنوی گل و نوروز با ۲۶۱۵ بیت دومین مثنوی از این خمس است. این نسخه را در گفتار حاضر با علامت اختصاری M نشان داده‌ایم.

علاوه بر استفاده از نسخ فوق، در برخی مواقع ایرادات ضبط با توجه به معنای کلمه و بیت، تصاویر و روایت داستان و نیز بر اساس ضبط‌هایی که مصححان نامبرده به پانویس برده‌اند، نشان داده شده است.

۲. بدنه اصلی

ایرادات فنی تصحیح کمال عینی عبارت‌اند از: شماره‌گذاری نشدن ابیات، حرکت‌گذاری نشدن حروف در کلمات متشابه برای سهولت در خواندن، قید نشدن شماره برگه نسخه اساس و رعایت نکردن ملاک واحد و علمی در درج پانویس‌ها برای بیان اختلاف نسخ؛ به‌خصوص هماهنگ نبودن اختلاف ضبط در

متن و پانویس. از باب نمونه عینی در متن آورده است: «از^۱ این» و سپس در پانویس آورده است: «در این» (به جای بسنده کردن به «در» هنگام درج اختلاف نسخ). به عبارت بهتر در پاورقی نیاز به نوشتن «این» نبوده است.

نیاز کرمانی ابیات را شماره گذاری کرده و کتاب از نظر حروف چینی بهتر از تصحیح عینی است اما علامات اختصاری که برای نسخه بدل‌ها به کار برده بهتر بود ترکیبی از حروف بی معنی باشد. او حروف «تع، کم، نم و دا» را برگزیده که برخی از آن‌ها معنادار است. قید نشدن شماره برگه نسخه اساس از نواقص کار نیاز کرمانی نیز هست. از این ایرادات که بگذریم تصحیح این دو مصحح محترم نواقص و کاستی‌هایی دارد که به آن‌ها اشاره خواهیم کرد.

۲-۱. ایرادات مطبعی

این مشکل در سرتاسر دو تصحیح به چشم می‌خورد و نمونه‌های آن خارج از شمارش است:
الف) کلماتی که بی فاصله از هم تایپ شده‌اند: چو من مردم چه سودار عالم آب است (خواجوی کرمانی ۱۳۷۰ الف: ۱۴ و خواجوی کرمانی، ۱۳۷۰ ب: ۴۷۹)^۲ به جای «سودار»، و «درمکانی» (ن: ۴۷۵) به جای «در مکانی».

ب) کلماتی که با فاصله از هم تایپ شده‌اند: «برون ران باد پا از عالم خاک» به جای «بادپا» (ک: ۱۶) و «چو بک» به جای «چوبک» (ن: ۴۷۶).

ج) اشتباه در درج یک حرف: «خرد تعلیم دانش رو گرفته» (ک: ۵۰) به جای «زو»؛ یا «دریای حروشان» (ک: ۷۱) به جای «خروشان»؛ همچنین «قرطه کلریز» (ک: ۹۵) به جای «گلریز»؛ «ر نوروز» (ک: ۲۰۶) به جای «ز نوروز» و «حمری» (ک: ۱۲۳) به جای «خمری».

در تصحیح نیاز کرمانی نیز این نقص هست: «هوا نقش دعا با عقل بازد» (ن: ۵۷۹) به جای «دغا»؛ «دادهایست» (ن: ۵۸۵) به جای «اژدهای است»؛ «معل» (ن: ۵۹۶) به جای «نعل»؛ «ببراندند» (ن: ۶۴۸) به جای «براندند»؛ «انلشت» (ن: ۶۷۵) به جای «انگشت»؛ «جز این حضرت من از قاضی و دانسی» (ن: ۴۷۹) به جای «قاضی»؛ «سپهر از خانقاهش زنگ پوشی» (ن: ۴۷۷) به جای «رنگ پوش» در معنی آنکه جامه رنگ (ژنده و دلق) بپوشد (دهخدا، مدخل «رنگ»).

۲-۲. اغلاط نگارشی و املائی

اغلاط نگارشی و املائی عبارت‌اند از:

۱-۲-۲-۲-درج نشدن تشدید (ـ)

این کمبود در سرتاسر هر دو متن مصحح دیده می‌شود و در برخی جاها خواننده ناچار است دوباره مصراع را بخواند تا صورت صحیح بیت قرائت شود. مصراع‌های زیر نمونه‌هایی از این کمبود را نشان می‌دهد: «معین با تو گفتم این معانی» (ک: ۹ و ن: ۴۷۴) به جای «معین»؛ «بدریدی به خنجر پرده بر میخ» (ک: ۲۸ و ن: ۴۹۱) به جای «بدریدی»، «امارت را به فرش زور بازو» (ک: ۵۰ و ن: ۵۰۹) به جای «فرش».

۲-۲-۲-۲-رعایت نشدن ملاک واحد در پیوسته‌نویسی یا جدانویسی کلمات

در ضبط کمال عینی «را» پس از حرف اضافه و ضمیر جدا نشده است اما پس از دیگر کلمات جدا شده است: کرا، ترا (ک: ۱۹) به جای که را، تو را.
در ضبط کمال عینی علامت جمع «ها» پس از «ه» جدا نشده و خواندن را دشوار کرده است: «رسته‌های» (ک: ۱۸) به جای «رسته‌های»؛ «چشم‌های» (ک: ۴۱ و ۲۱۶) به جای «چشمه‌های»؛ «گوشه‌های» (ک: ۱۷۴) به جای «گوشه‌های» و «خیمه‌ها» (ک: ۲۴۴) به جای «خیمه‌ها». در ضبط نیاز این ایراد برطرف شده است.
همچنین ضبط «ای» به صورت «ه» و مطابق رسم‌الخط قدیم در دو تصحیح، خواننده امروزی را با مشکل مواجه می‌کند:

* چو پسته نکتۀ پر مغز گفتش به دانش گوهری پر نغز سفتش
(ک: ۱۰۴ و ن: ۵۴۳)

ضبط «نکته‌ای» به صورت اشتباه «نکتۀ» آمده است. از همین قبیل است ضبط «قصۀ» به جای «قصه‌ای» (ک: ۱۰۴ و ن: ۵۵۵).

در ضبط کمال عینی «است» در بیشتر کلمات چسبیده است. این کاربرد، در کلمات مختوم به «ه» اشتباه است:

هر آن قولی که می‌گویی ترانست هر آن چیزی که می‌خوانی فسانست
(ک: ۵۴)

به جای «ترانه است» و «فسانه است». نیز «آشیانست ... دانست» (ک: ۱۸۵) به جای «آشیانه است»

و «دانه است» از همین دست هستند. نیاز در این باره یکسان عمل نکرده است، مثلاً بیت بالا را «ترانه است» و «فسانه است» (ن: ۵۱۳) ضبط کرده اما در برخی جاها این گونه کلمات را سر هم ضبط کرده است از باب نمونه: «اگر ثعبانش آشفستت بر ماه» (ن: ۵۵۹) و «اگر گویند گل باغ بهشتت» (ن: ۵۰۸). -ترجیح کمال عینی بر پیوسته‌نویسی بوده است اما برخی از کلمات جدا نوشته شده‌اند. هرچند جدانویسی آن‌ها نیز اشتباه نیست اما رعایت نکردن وحدت رویه در کار تصحیح نقص بزرگی به شمار می‌رود. همچنین برخی از کلمات باید سر هم نوشته شوند مثل «ششدر» که یک اصطلاح است و کمال آن را «شش در» ضبط کرده است (ک: ۱۰۲). دیگر نمونه‌ها: تنگ دست (ک: ۲۵) به جای تنگدست؛ دانش وران (ک: ۲۸) به جای دانشوران؛ جان فزاتر (ک: ۳۶) به جای جانفزاتر؛ جهان گیران (ک: ۳۸) به جای جهانگیران؛ جان باز (ک: ۵۸) به جای جانباز؛ کمین گه (ک: ۶۳) به جای کمینگه؛ شب رو (ک: ۶۸) به جای شبرو؛ جهان تاب (ک: ۱۰۳) به جای جهانتاب؛ بادست (ک: ۱۰۴) به جای باد است؛ پیش کش (ک: ۱۶۴) به جای پیشکش؛ ره زن (ک: ۱۶۷) به جای رهن؛ دل داده (ک: ۱۷۱) به جای دل داده؛ صورت گری (ک: ۱۷۸) به جای صورتگری؛ شب نم (ک: ۱۸۴) به جای شبنم و گردن کشی (ک: ۲۰۹) به جای گردنکشی.

-حرف «به» نیز در مواقعی جدا و گاهی سر هم نوشته شده و مصححان یک میزان را در سراسر کار رعایت نکرده‌اند. به خصوص که گاهی سر هم نوشتن این حرف سبب بدخوانی می‌شود: بهر (ک: ۸۶) به جای به هر؛ تابکی (ک: ۱۰۳) به جای تا به کی؛ بهم دستی (ک: ۱۷۹) به جای به همدستی؛ بکندی (ک: ۱۸۳) به جای به کندی. این ایراد در تصحیح نیاز هم کمابیش دیده می‌شود: بهر (ن: ۵۳۹) به جای به هر. در تصحیح نیاز کرمانی کلماتی مثل «ششدر» و «شش در» برخی از مواقع درست ضبط شده‌اند و برخی از مواقع نیز جابه‌جا هستند مثلاً در «زند زرین علم بر قصر ششدر» (ن: ۴۷۰) و «به نذرش هر سحر در قصر ششدر» (ن: ۷۰۲) «ششدر» به جای «شش در» آمده است.

۳-۲- افتادگی‌ها

۲-۳-۱. جافتادگی بیت

*به دامن عنبر و گوهر به انبار	به اشتروار سیم و زر به خروار
برافشانند و به دست آورد شه را	به برج خویش منزل کرد مه را
به رسم موبدان بگرفت دستش	معین کرد مهر و عقد بستش

(ک: ۶۲)

بیت دوم در تصحیح کمال عینی جا افتاده است. این بیت در نسخ U: ۶۱۶: M: ۷۳: L: ۷۳: T: ۱۱ و چاپ نیاز کرمانی (ن: ۵۱۹) ضبط شده است.

بگویم تا در این دریا نمائی کناری گیسری و زورق نرانی
بدانی حال مهر و مهرورزی دگر چون مهر بر آن مه نلرزی
(ن: ۵۳۴)

عینی در تصحیح خود، این دو بیت را در پانویس آورده (ک: ۸۰) و توضیح داده است که این دو بیت در نسخه اساس وجود ندارد و او از بقیه نسخ آورده است. ولی حقیقتاً این ابیات در نسخه اساس آمده است.

کمال در مواقع فراوانی بیت یا ابیاتی را به این سبب که در نسخه اساس ضبط نشده‌اند، به پانویس برده است. برای این موارد بنگرید به پانویس‌های ک: ۴۳ (پاورقی شماره ۱۲)، ۵۱ (پاورقی شماره ۴)، ۵۷ (پاورقی شماره ۳)، ۷۲ (پاورقی شماره ۵)، ۸۰ (پاورقی شماره ۷)، ۱۱۰ (پاورقی شماره ۹)، ۱۱۴ (پاورقی شماره ۱)، ۱۱۶ (پاورقی شماره ۴)، ۱۲۳ (پاورقی شماره ۱)، ۱۶۲ (پاورقی شماره ۱)، ۱۶۴ (پاورقی شماره ۵) و ۲۰۲ (پاورقی شماره ۳).

در تصحیح نیاز کرمانی نیز جافتادگی ابیات دیده می‌شود: آخرین بیت در صفحه ۶۲۰ به شماره ۳۱۴۴ و اولین بیت در صفحه بعد به شماره ۳۱۵۰ است. بدین ترتیب ابیات ۳۱۴۵ تا ۳۱۴۹ که در چاپ کمال عینی در صفحات ۱۸۰ و ۱۸۱ آمده، در تصحیح نیاز کرمانی حذف شده است. این موضوع اهمیت درج شماره‌های ابیات را در تصحیح نشان می‌دهد؛ یعنی اگر نیاز ابیات را شماره‌گذاری نمی‌کرد، خوانندگان در نگاه اول این کمبود را ملتفت نمی‌شدند. مورد دوم نیز جا افتادن دو بیت بعد از بیت ۳۴۳۹ است که در ضبط کمال (ک: ۱۹۶) درج شده و در همه نسخ هم آمده است.

۲-۳-۲. افتادگی کلمات

در تصحیح کمال عینی جا افتادن «و» بسیار معمول است از جمله: «ازانشان روز شب خون در میان است» (ک: ۳۸) به جای روز و شب. دیگر جا افتادگی کلمات در تصحیح کمال عینی عبارت‌اند از: جا افتادن «نوروز» پیش از مهران در عنوان «پاسخ دادن شاهزاده مهران مه‌رسب را» (ک: ۱۰۳). نسخ U:

۲۱۹: M: ۸۱، L: ۸۱ و T: ۱۸ «نوروز» را دارند. اما در بیت زیر:

* در آن جشن هم‌ایون جام روشن چو زد خیمه بر پیروزه گلشن
(ک: ۲۵۶)

مطابق ضبط L است. کمال عینی ضبط «چو گل زد» را که در نسخ U: ۲۱۹، M: ۱۲۴ و T: ۴۶ هست، به پانویس برده است.

دیگر نمونه‌های جا افتادن کلمه: جا افتادن «کرد» در «قران اخترش» (ک: ۱۶۲) با اینکه در پانویس صورت درست را داده است؛ جا افتادن «را» در عنوان «مثل زدن شاهزاده نوروز داستان بهزاد و پری زاد که از چندان شدت فرج یافته ...» (ک: ۶۱) به جای پری زاد را. در تصحیح نیاز کرمانی گاهی حروف جا افتاده‌اند: ضبط «دور تسلسل» (ن: ۶۸۴) به جای دور و تسلسل، ضبط «دوات خامه ات» (ن: ۷۲۲) به جای دوات و خامه‌ات. در یک نمونه نیز حرف «ای» جا افتاده است: «چنین است برادر» (ن: ۶۴۷) به جای ای برادر. البته در چند موقع نیز حرف «و» بیجا ثبت شده است:

کسی زان شاهباز و تیز پرواز نگفت از هیچ بابی نکته‌ای باز
(ن: ۵۷۳)

اگر بندست و بند افتاده تست ورش عمرست مهلت داده تست
(ن: ۵۷۹)

همچنین در هر دو تصحیح (ن: ۵۳۵ و ک: ۸۱) عبارت «در آن معنی» از عنوان داستان مهر و ماه افتاده است. عنوان اصلی در نسخهٔ اساس (۱۶: Na) چنین است: «مثل زدن مهران با نوروز از داستان مهر و مهربان در آن معنی که بعد از چندان مشقت به مراد نرسیدند».

۲-۴. توجه نکردن به رسم الخط کاتب

الف) مصححان در مواقعی «ب» پیشوند فعل را به مانند کاتب جدا از فعل نوشته‌اند: «به بردند آنچه با مه بود و با شاه» (ک: ۶۳ و ن: ۵۲۰) به جای ببرند، و یا «به پیرای» (ک: ۷۲) به جای پیرای. ب) تصحیف (توجه نکردن به ضبط «گ»، «پ» و «ز»):

*چو سودایی بزد بنشان ز جوشش چو گیرد گوشه‌ای می‌دار گوشش
(ک: ۷۵ و ن: ۵۲۰)

در دو تصحیح بدون توجه به تصحیف «ب»، «پزد» به شکل «بزد» ضبط شده است. در صورتی که ترکیب «سودا پختن» به معنی خیال‌پردازی کردن و اندیشهٔ بیهوده در سر پروردن با معنای کلی بیت و روند داستان هماهنگ است.

* به عارض ماهتاب شب‌نشینان بیسته آرزوی خردبینان
(ک: ۱۵۸ و ن: ۶۰۲)

این بیت و بیت‌های قبلی توصیف زیبایی و جمال معشوق است؛ عارض یار به مهتاب، و کوچکی و خردی دهان او به پسته تشبیه شده است. پس ضبط صحیح «به پسته» است نه «بسته».

*اگر سرباتک هندی زبان است نه آخر دلودوزی سرشبان است
(ک: ۲۷۶ و ن: ۷۰۹)

ضبط درست «سرباتک» است. در الهی نامه عطار داستانی درباره حکیمی هندی آمده است به همین نام که در علم تنجیم نیز دست دارد (عطار، ۱۳۵۹: ۷۲). نیاز در بیتی دیگر همین کلمه را «سربابک» ضبط کرده است (ن: ۵۸۴) که ناصحیح است زیرا «سرباوک» یا «سربابک» یکی از سرداران لشکر یعقوب لیث صفاری است و او رئیس عیاران سیستان بود که قطعاً با هندوستان و هندی بودن سنخیتی ندارد (نک. تاریخ سیستان، ۱۳۶۶: ۱۹۴).

* چو کنج‌العرش دست سعد و سعدان حمایل ساخته در گردن جان
(ک: ۶۳ و ن: ۵۲۰)

ضبط صحیح «کنج‌العرش» است. به‌عنوان شاهد بر «کنج‌العرش» می‌توان به این مصراع شاه نعمت‌الله ولی اشاره کرد: «لوح محفوظم و گنجینه و گنج‌العرشم» (شاه نعمت‌الله ولی، ۱۳۴۷: ۱۲۲).
خواجو در بخشی از توصیف خود از نوروز در میدان جنگ نوشته است:

* قبلا پوشیده از کیمخت ضیغم به خام آورده شاخ‌گرگ را خم
(ک: ۲۰۸ و ن: ۶۴۵)

باز در وصف تیر انداختن نوروز به ازدها می‌گوید:

دهانش کرد پر کیمخت ضیغم پس آنگه شاخ‌گرگ آورد در خم
(ک: ۲۲۳ و ن: ۶۶۰)

نیز در بیت دیگری آورده است:

چو بیر از جا بجست و پنجه بگشاد به خام شیر شاخ‌گرگ خم داد
(ک: ۱۴۵ و ن: ۵۹۰)

در شعر و نثر فارسی شاهی برای شاخ‌گرگ نیست. اینجا باید شاخ‌گرگ (کرگدن) را به‌عنوان ضبط صحیح پذیرفت. در گرشاسب‌نامه آمده است:

برآورد بر زه خم شاخ‌گرگ ز ترکش برآهیخت زبور مرگ
(اسدی طوسی، ۱۳۱۷: ۲۴۴)

در توضیح بیت آمده است: «شاخ کرگدن به جای کمان و زنبور مرگ به جای تیر به کار رفته است» (خالقی مطلق، ۱۳۶۲: ۵۲۳).

* همه با قطب چون سیاره در کار در آن پرگار همچون نقطه پرکار (ک: ۲۷۱)

اول اینکه پر کار بودن نقطه معنی نمی‌دهد. دوم اینکه در ابیات دیگری آمده است:

چه بینی نقش این گردنده پرگار کزو یک نقطه نتوان دید بر کار (ک: ۲۷۵)

در این نه جدول پیروزه پرگار بینی نقطه‌ای کان نیست بر کار (ک: ۲۷۷)

چنان‌که مشاهده می‌شود در هر دو بیت اخیر ترکیب «بر کار» - که اختیار مصحح بوده است - به طور واضح معنی می‌دهد؛ پس ضبط درست مصراع دوم در بیت اول نیز «بر کار» است. نیاز کرمانی «بر کار» (ن: ۷۰۶) ضبط کرده است.

* دد دم کش چو رمح آهنین دید به دندان همچو سوهانش بیازید (ک: ۱۷۵ و ن: ۶۱۶)

یازیدن به معنی دراز کردن، حمله کردن، روی آوردن، خم شدن و آویختن است (دهخدا، مدخل «یازیدن») و آژیدن (آجیدن، آژدن و آژدن) به معنای رندیدن چنان‌که با سوهان و مانند آن، سوراخ کردن و ساییدن و مالش دادن است (همان، مدخل «آژیدن»). با توجه به اینکه یکی از مصادر آژدن را آژدن نوشته‌اند، در بیت بالا ضبط «بیازید» درست است اما چون به معنای رندیدن است، بهتر است که بیازید ضبط شود.

ج) یکسان ضبط نکردن یک کلمه در مواقع مختلف نیز یکی از آسیب‌هایی است که متوجه مصححان است. وحدت رویه داشتن در همه سطوح تصحیح لازم است: رسم‌الخط واحد، الگوی یکسان برای درج زیرنویس‌ها، پیروی از قوانین نگارشی واحد به خصوص در پیوسته یا جدانویسی و ...

پیش از این به وحدت رویه نداشتن مصححان در درج زیرنویس‌ها و نیز قوانین نگارشی در خصوص پیوسته‌نویسی و جدانویسی اشاره شد. یکی دیگر از این دست نمونه‌ها ضبط یک کلمه به چند شکل است مثلاً عینی در عنوان بخشی از داستان، «ابواسحاق» (ک: ۲۶۵) نوشته است و پس از چند بیت همان کلمه را به صورت «ابواسحق» (ک: ۲۶۷) ضبط کرده است. یا نیاز کرمانی در یک جا «به جای آوردن»

(ن: ۵۲۰) و در جای دیگر «به جای آریم» (ن: ۵۲۱) آورده است. «به ناچار» و صورت دیگر آن «بناچار» یا «به ناکام» و صورت دیگر آن «بناکام» نیز در هر دو تصحیح به هر دو شکل ضبط شده‌اند. (د) هر دو مصحح در سر تا سر متن «آنکه» را «آنک» ضبط کرده‌اند.

۵-۲- گزینش‌های نادرست و خطاخوانی‌ها

نمونه‌هایی از انتخاب ضبط اشتباه از میان نسخ در تصحیح کمال عینی و نیاز کرمانی عبارت‌اند از:
* کند سر شمع چشم از دیده روشن دهد سرچشمه را از باد جوشن

(ک: ۴ و ن: ۴۷۰)

ضبط مطابق نسخه U است. ضبط نسخ M: ۷۰، L: ۶۳ و T: ۱ «پیه» است. نیاز و کمال ضبط «پیه» را که در دو نسخه بوده، به پانویس برده‌اند. با توجه به معنی و مفهوم کلی بیت و در نظر گرفتن این نکته که در قدیم از موم و چربی برای روشنایی بهره می‌برده‌اند، کلمه «پیه» مناسب است. شاعر همین تعبیر را در بیت دیگر این مثنوی به کار برده است:

چو شمع دل ز تاب فکر سوزان ز پیه دیده سر شمعم فروزان

(ک: ۲۲ و ن: ۴۸۶)

* ز ماه نو زده شبدیز را نعل ز خور در جام نو کرده می لعل

(ک: ۵ و ن: ۴۷۱)

نسخ U: ۱۵۱، M: ۶۱ و T: ۱ «جام زر» ضبط کرده‌اند که درست می‌نماید. نسخه L: ۶۳ «ز خور در جام کرده» ضبط کرده است. در ابیات دیگری هم تعبیر «جام زر» را داریم (ک: ۲۵۸).

* دلش بگرفت روزی در شبستان کمان زه کرد چون آهوی مستان

(ک: ۳۰)

ضبط مطابق L است. ضبط «ابروی» که در نسخ U: ۱۵۷ و T: ۵ آمده، درست است. M بیت را ندارد. ضبط نیاز کرمانی «ابروی» (ن: ۴۹۲) است.

خواجه در بیتی جمعیتی را وصف می‌کند که برای دیدن گل اجتماع کرده‌اند و با توجه به ابیات قبل و بعد، مصراع دوم این بیت توصیف مصراع اول و بیان سرگشتگی و اشتیاق انبوه جمعیت شیفته روی گل است؛ ولی در تصحیح کمال عینی فعل «گرفتم» به جای «گرفته» معنی بیت را بر هم زده است:

* جهانی یافتم از پیر و برنا ز شیدایی گرفتم کوه و صحرا

(ک: ۳۲)

ادامه بیت چنین است:

به بوی گل چو بلبل **گشته** سرمست

(ک: ۳۲)

ضبط نیاز کرمانی «گرفته» (ن: ۴۹۵) است که با توجه به وجه فعل در بیت بعدی صحیح است.

* چو آرد تنگ شکر در **مقال**ت

(ک: ۳۶)

«از خجالت آب شدن» عبارت فعلی است و با جایگزینی «جمالت» معنی بیت مختل شده است. نیاز

«خجالت» (ن: ۴۹۷) ضبط کرده است.

* طیبیان هم شراب دُرد نوشند

لبیبان هم لباس **شوق** پوشند

ضبط مطابق L است. ضبط M: ۷۷ «عقل» و ضبط U: ۱۷۱ و T: ۱۴ «عشق» است. ضبط

«عشق» در اینجا درست می‌نماید. شاعر در ابیات دیگری همین تعبیر را به کار برده است:

شراب بیخودی تا چند نوشم

لباس عاشقی تا چند پوشم

در بخشی از داستان می‌خوانیم که شاه به یک بازرگان سفارش برده می‌دهد:

* در آمد **برده** کویی روزی از در

غلامی چند با او حور پیکر

نیاز کرمانی «برده کولی» (ن: ۵۲۳) ضبط کرده و «برده کوسی» و «برده کویی» را در پانویس آورده

است. به نظر می‌رسد در این بیت ضبط «کوسی» درست است. زیرا کوس به معنی «فرو کوفتن، صدمه و

زخم» است (دهخدا، مدخل «کوس») و با ویژگی‌هایی که برای برده‌فروش برمی‌شمارد هماهنگ‌تر

است. در نسخ M: ۷۴ و T: ۱۴ برده کویی یا پرده گویی (?) است اما در نسخ U: ۱۶۷، L: ۷۴ به وضوح

«برده کولی» ضبط شده است.

* ز زیر بال این طاووس **اختر**

چو بیرون کرد سر زاغ سیه پر

(ک: ۸۶)

ضبط «اخضر» با توجه به تصویر شعر (آمدن شب) درست است. در سوابق شعر فارسی ترکیب «طاووس اختر» نیست اما برای «طاووس اخضر» می‌توان به این بیت از جامی استشهد کرد:

درآمد ناگهان ناموس اکبر سبک‌روتر ازین طاووس اخضر
(جامی، بی‌تا: ۵۸۵)

ضبط نیاز کرمانی «اخضر» (ن: ۵۳۹) است.

* پس آنگه زد صفیر و کرد پر باز و زانجا شد به سوی کعبه پرواز
(ک: ۸۶ و ن: ۶۰۰)

این ضبط نسخه L است. نسخ U: ۱۷۲، M: ۷۸ و T: ۱۵ نیز «آشیان باز» ضبط کرده‌اند که با توجه به معنای شعر و جایی که داستان در آن روایت می‌شود، درست است.

* لبش خشک و زبانش لال گشته رخس بد رنگ و تن بد حال گشته
(ن: ۵۴۳)

ضبط «به» درست است. ضبط نسخ U: ۱۷۳، M: ۷۹، L: ۷۹ و T: ۱۶ و تصحیح کمال عینی (ک: ۹۰) نیز «به» است. این ضبط با تصویر کلی بیت هماهنگ است یعنی رخس مانند میوه به زرد شده بود.

* رخس بنمود کاینک بامداد است حدیث شب مزن کان جمله باد است
(ک: ۹۰)

برای «حدیث زدن» شاهی در شعر و نثر فارسی و نیز مدخلی در لغت‌نامه یافت نشد. از آنجا که ضبط نسخ U: ۱۷۴، M: ۷۹، L: ۷۹ و T: ۱۶ «مران» است، همین ضبط اخیر (مران) را درست می‌دانیم. ضبط نیاز کرمانی نیز «مران» (ن: ۵۴۳) است.

* ز دود سینه بر گردون تنق بست به تیره آه قلب چرخ بشکست
(ک: ۹۶)

این ضبط مطابق نسخه T است. با توجه به شکستن قلب، ضبط «تیر» درست‌تر از «تیره» است احتمالاً کمال عینی با توجه به دود سینه ضبط «تیره» را اختیار کرده است. نسخ U: ۱۷۵، M: ۸۰، L: ۸۰ و نیز نیاز کرمانی «تیر آه» (ن: ۵۴۷) ضبط کرده‌اند.

* چو نورسته نهال از جنبش باد به لرزه در شده و از پا در افتاد
(ن: ۵۴۸)

ضبط صحیح «درشد» است که همان ضبط کمال عینی (ک: ۹۶) و ضبط M: ۸۰، L: ۸۰ و T: ۱۷

است. ضبط نسخه U: ۱۷۵ «به لرزه در شد و از پا بیفتاد» است. در ابیات بعدی نیز وجه افعال به صیغه گذشته آمده است:

دو هاروتش فرو رفتند در چاه دو هندویش بشویدند بر ماه

(همان)

* ازین گردنده دولاب سلابی مه و مهر آمده در برج آبی

(ک: ۹۶)

سلاب یعنی جامه ماتم (دهخدا، مدخل «سلاب»). چون در اینجا صحبت از وصال مهر و مهربان در کشتی است و همه چیز به خوبی و زیبایی توصیف شده‌اند، ضبط سدابی (کنایه از سبز رنگ) - که ضبط نیاز (ن: ۵۴۸) است - درست است. ترکیب وصفی «چرخ سداب رنگ» نیز در لغت‌نامه کنایه از آسمان است (همان). ضبط نسخه‌های U: ۱۷۵ و L: ۸۰ «سدابی» است. ضبط M: ۸۰ «حسابی» و ضبط T: ظاهراً «صدائی» (?) است.

* به پیکار و جدل مشغول گشتند همه کشتی به کشتی بان بهشتند

بدو گشتند ملأحان به یکبار بجستند از کف ترکان خونخوار

(ک: ۹۸ و ن: ۵۴۹)

مصحّحان «مدد» را «بدو» خوانده‌اند و معنای بیت مبهم شده است. در نسخ U: ۱۷۶، M: ۸۰ و L: ۸۰ «مدد» آمده است. ضبط نسخه T مبهم است.

* نمی‌دانست کان منزل کدام است زمینگی کو وطن دارد کدام است

(ک: ۹۹)

این ضبط نسخه L است. با این گزینش، بیت فاقد قافیه است؛ پس ضبط «چه نام است» که در نسخ U: ۱۷۶، M: ۸۱، T: ۱۸ و ضبط نیاز (ن: ۵۵۱) آمده، درست است.

* سیایی را گمان بردی که ماه است گدایی را لقب دادی که شاه است

(ن: ۵۵۸)

کلمه اول در ضبط کمال عینی «سهایی» است (ک: ۱۰۸). نیاز کرمانی به این نکته توجه نکرده که خواجو در هیچ کجا کلمات با تلفظ عامیانه به کار نبرده است.

* سپهر مهره‌گردان مهره انداخت تمامی مهره‌شان در شش در انداخت

(ک: ۱۰۲)

در ضبط کمال عینی بیت دارای ردیف و فاقد کلمه قافیه است؛ پس ضبط «مهره‌ای باخت» که در نسخ U: ۱۷۷، M: ۸۱، L: ۸۱، T: ۱۸ و تصحیح نیاز (ن: ۵۵۳) آمده، درست است. همچنین در این بیت «ششدر» (یک اصطلاح در بازی نرد) درست است.

* ازین نیل روان آبی که خوردست
 کز او بس کس که دارد نیک بر دست
 (ک: ۱۱۰)

این ضبط نسخه L است. ترکیب «نیک بر دست» معنی نمی‌دهد و «نیل بر دست» درست است یعنی رنگ نبود. با توجه به نسخ M: ۸۳ و T: ۲۰ و ضبط نیاز (ن: ۵۶۰) و ابیات بعد که باز هم نیل در آن‌ها تکرار شده است ضبط «نیل» صحیح است:

شب افکنده در آب نیل جامه
 سیه کرده فلک را روزنامه
 (ک: ۱۲۴)

نیز ر.ک. ک: ۱۱۱

* سر زلف کمند از آب رفته
 لب لعل سنان از آب رفته
 (ک: ۱۲۹)

با انتخاب «تاب» (ن: ۵۷۶) به جای «آب» مشکل قافیه حل می‌شود. نسخ U: ۸۴، M: ۸۷، L: ۸۶ و T: ۲۳ نیز «تاب» ضبط کرده‌اند.

* به طاووسی برآمد چون عقابی
 و یا در پشت ابیری آفتابی
 (ن: ۵۷۲)

بیت توصیف نشستن نوروز بر اسب و سوارکاری اوست. نسخ U: ۱۸۳، M: ۸۶ و T: ۲۲ «بر» ضبط کرده‌اند. عینی نیز «بر» را برگزیده و صحیح است (ک: ۱۲۴).

* طوافی کن به گرد خرگه ماه
 به دست آور چو خوزین جرعه شاه
 (ک: ۱۲۷)

کمال عینی در پانویس «چو زرین»، «چو خوزین» و «چو خوز زرین» آورده است. نیاز کرمانی «خور بُن» (ن: ۵۷۴) ضبط کرده که درست است. دلایل اختیار این ضبط (خوربُن) از این قرارند: اول اینکه صورتهایی که عینی در پانویس داده، نه تصویری دارند و نه معنایی. حال آنکه «بن جرعه یعنی ته جرعه» (ضیائی حبیب‌آبادی، ۱۳۹۰: ۶۱). معنی مصراع دوم با وجود این ضبط (خور بن جرعه) معلوم و واضح نیست. تصاویر شعری دیگری داریم که در آن‌ها خورشید و جام و جرعه و ساغر با هم آمده‌اند. مثلاً خاقانی می‌گوید:

خورشید خاک شد ز پی جرعه یافتن آن دم که جام جام کشیدم به صبحگاه
(خاقانی ۱۳۶۸: ۷۹۹)

دوم اینکه بر اساس قاعده تقابل که ویژگی سبکی در گل و نوروز است، در مصراع اول واژه «ماه»، ضبط خور (خورشید) در مصراع دوم را پذیرفتنی می‌کند. نمونه‌های دیگر این واژه‌های همراه که بسامد بالایی در گل و نوروز دارند، عبارت‌اند از: دانه و دام، نقطه و پرگار، منصوبه و منظومه، بام و شام. سوم اینکه در نسخ U: ۲۸۳ و T: ۲۳ «چو خور بُن جرعه شاه» آمده است. متن در نسخ دیگر خوانا نبود. چهارم شواهدی از خود خواجو برای «بن جرعه» است:

بزم ز بن جرعه خراب آمده اشک قدح لعل مذاب آمده
(خواجوی کرمانی ۱۳۸۷: ۱۵)

من آن هشیار سرمستم که هستی بود بن جرعه جامم به مستی
(همان: ۱۶۳)

* کشیده خنجر و بر من دوانده به دست خویش بر من تیغ رانده
(ن: ۵۷۷)

نسخ U: ۱۸۴، M: ۸۷، L: ۸۶ و T: ۲۳ «خود» ضبط کرده‌اند که درست است؛ یعنی خنجر بر من کشیده اما گویی بر روی خودش تیغ زده است. عینی (ک: ۱۳۰) به درستی ضبط کرده است. در جای دیگر آمده است:

به جای ما بد اندیشید و بد کرد به دست خویش قصد جان خود کرد
(ک: ۱۴۸ و ن: ۵۹۳)

* درین وادی به غایت سوزناکیم بیده آبی کز استسقا هلاکیم
هدایت ده که جز راهت نیویم عنایت کن که جز ذکرت نگویم
درین مزرع غم یک جو نخوردیم و زین خرمن جوی حاصل نکردیم
(ک: ۱۳)

با توجه به مصراع اول و سوم باید «نیویم» و «نگوییم» بیاید. ضبط نیاز کرمانی (ن: ۴۷۸) به همین صورت اخیر (صیغه جمع) است. نسخ U: ۱۵۳، M: ۶۳، L: ۶۴-۶۵ و T: ۲-۳ نیز به صیغه جمع ضبط کرده‌اند.
* برآسودند از هم با غم و درد بشستند از دل غمگین به می گرد
(ک: ۱۳۲)

ضبط مطابق نسخه U است. عینی در پاورقی و نسخ M: ۸۸، L: ۸۶، T: ۲۴ و نیاز (ن: ۵۷۹) «با ... از» ضبط کرده‌اند که با توجه به روند داستان و ابیات قبل که فارغ شدن از نبرد و کارزار و بر پا کردن بزم است، درست است.

* دل شب سرد بر مستان شب خیز شده بی آب جان آتش انگیز
(ک: ۱۴۱)

نسخ U: ۱۸۷، M: ۸۹، L: ۸۸ و T: ۲۵ و نیاز کرمانی (ن: ۵۸۷) «جام» ضبط کرده‌اند که با در نظر گرفتن ابیات قبل که توصیف باده‌نوشی در بزم پادشاه و صفت «آتش‌انگیز»، درست است.

* ز پروین کرد رنگین یاره و دست ستون سیم را پیرایه برست
(ک: ۱۴۹)

این ضبط نسخ L و U است. ضبط «در» در تصحیح نیاز کرمانی (ن: ۵۹۴) و نسخ M: ۹۱ و T: ۲۷ درست است.

* ملک را در هزار دیگ‌رش داد دگر ره هم بدان کارش فرستاد
(ک: ۱۶۲)

اولین کلمات مصراع اول در نسخه L محو است. نسخ M: ۹۴ و T: ۲۸ «ملکزاده هزار...» آورده‌اند و نیاز نیز همین ضبط را آورده است (ن: ۶۰۵). ضبط نسخه U: ۱۹۳ «ملک را ده هزار» است. ضبط نسخ M و T درست است. چون در این بخش از داستان روایت نصر آمده است که همه گوسفندانی را که شاه به او بخشیده، از دست می‌دهد و دوباره نزد ملکزاده می‌رود و او باز هم هزار گوسفند دیگر به نصر می‌بخشد.

شخصیتی به اسم شهناز در بخشی از داستان به آواز خوانی و چنگ زدن می‌پردازد. در بیت زیر:
* چو شهناز این نوا برزد به غلغل دل گل در خروش آمد چو بلبل
(ک: ۲۰۴)

عینی بدون توجه به عنوان داستان که در آنجا «شهناز» ضبط کرده، نام این نوازنده را در این بیت «شهناز» آورده و «شهناز» را به پانویس برده است. نیاز به درستی «شهناز» (ن: ۶۴۱) ضبط کرده است.

* بدان سطری که عالم مسطر اوست بدان فری که عالم مظهر اوست
(ک: ۱۷۳)

با اینکه سه نسخه از نسخ کمال «آدم» ضبط کرده‌اند باز ضبط نادرست در بیت درج شده است.

فحوای بیت هم نشان از درست بودن «آدم» دارد. نیاز (ن: ۶۱۴) درست ضبط کرده است.

* که چون در دیدگه باز آشیان ساخت تکاور را به نزد دیده‌بان یافست

(ن: ۶۱۷)

اما از آنجا که قافیه کردن «یافت» و «ساخت» اشکال ایجاد می‌کند، نیاز برای حل آن «تاخت» را جایگزین کرده که مطابق ضبط U و H است. ولی انتخاب این ضبط نیز روند داستان را بر هم می‌زند. در بخشی از داستان می‌خوانیم که نوروز به جنگ ازدها می‌رود ولی اسبش به محض دیدن ازدها رم کرده، فرار می‌کند. نوروز پس از کشتن ازدها نزد دیده‌بان جنگل می‌رود و اسبش را نزد او می‌یابد. بنابراین ضبط «یافت» که در نسخه L: ۹۴ آمده درست است. برای رفع مشکل قافیه نیز به جای «ساخت» در مصراع اول باید ضبط «یافت» را از نسخه T: ۳۱ برگزینیم؛ پس صورت صحیح بیت چنین است:

که چون در دیده‌گه باز آشیان یافت تکاور را به نزد دیده‌بان یافت

* به پای طارم گل شد به هنجار چو بلبل کاورد رخ سوی گلزار

(ک: ۱۹۵)

ضبط مطابق L است. نسخ U: ۲۰۱، M: ۱۰۱ و T: ۲۴ «بام» است اما کمال ضبط «پای» را برگزیده که اشتباه است به خصوص که در چند بیت بعد در همین باره می‌خوانیم: «فرود آمد چو باد از بام طارم» (ک: ۱۹۵). در چاپ نیاز کرمانی (ن: ۶۳۳) «بام» از بقیه نسخه‌ها جایگزین «پای» شده و نیاز در پانویس به ضبط نسخه اساس (پای) که همان L: ۳۷ است هیچ اشاره‌ای نکرده است.

* گلش نام و رخش ملفام چون گل ملش لعل و تنش ملفام چون گل

(ک: ۲۳۳)

ضبط مطابق L است. ضبط نسخ U: ۲۱۳، M: ۱۱۰ و T: ۴۲ «گلفام چون مل» (ن: ۶۶۹) و درست است.

* کلیدی ساز کن چندین چه پایی بود کاین فعل سنگین برگشایی

(ک: ۲۱۴)

ضبط «فعل» اشتباه است به خصوص که در نسخ U: ۲۰۷، M: ۱۰۶، L: ۱۰۲ و T: ۳۸ هم «قفل» است. همچنین با توجه به مصراع اول ضبط قفل (ن: ۶۵۱) درست است.

درباره سر و پر در بیت زیر:

* ز دارالملک قیصر سر برافراخت به پای کوهساری پر برافراخت

(ک: ۲۱۶، ن: ۶۵۳)

ضبط «سر» و «پر» در بیت بالا به ترتیب باید «پر» و «سر» باشد چنان که در نسخ U: ۲۰۷، M: ۱۰۶، L: ۱۰۲ و T: ۳۸ نیز همین ضبط آمده است. «پر برافراختن» و «پر باز کردن» از ترکیب‌های پر بسامد در گل و نوروز است و همه جا به معنی آماده شدن برای آغاز و شروع کار است.

* چو هرمز طیلسان افگنده بر سر چو کیوان هندبادی جامه در بر (ک: ۲۲۰)

«هندبار» به معنی ناحیت هند است و «هندباری جامه» یعنی جامه هندباری که به معنی جامه منسوب به هند است؛ پس ضبط هندبادی در اینجا اشتباه و ضبط «هندباری» (ن: ۶۵۷) درست است.

* بنیات بوستان پرورده تو دل لاله به دست آورده تو (ک: ۲۶۹ و ن: ۷۰۴)

مطابق ضبط M است. مشخص است که ضبط نبات به معنی گیاه که در نسخ U: ۲۲۳، L: ۱۱۳ و T: ۴۹ آمده، درست است. خواجو در جای دیگر نیز «نبات» را به کار برده است.

عروسان نباتی گشته شاداب شده زنجیری از سودای باد آب (ک: ۱۱۸ و ن: ۵۶۷)

* غریب آن نیست کو را آشنا نیست غریب آن است کز مجنون جدا نیست (ک: ۲۰۱)

ضبط مطابق L است. ضبط «محنت» که در نسخ U: ۲۰۳، M: ۱۰۳ و T: ۳۵ و نیاز کرمانی (ن: ۶۳۹) آمده، درست است. کمال هیچ اختلاف نسخی در پانویس نداده است.

* چو نرگس ارغوان بر یاسمن ریخت قدح را از هوا در در دهن ریخت (ک: ۲۰۴)

ضبط مطابق L است. ضبط «ز» که در نسخ U: ۲۰۴، M: ۱۰۳ و T: ۳۶ و نیاز (ن: ۶۴۱) آمده، با توجه به معنی و تصویر بیت درست است.

* چنین تا منزلی را بسپردند پس از یکچند در ارمن رسیدند (ک: ۲۱۸)

مفاد روایت داستان نشان می‌دهد که گل و نوروز چند روز راه طی کردند و به ارمن رسیدند و بنابراین ضبط «تا چند منزل» (ن: ۶۵۵) درست است.

* بشد تا در کمر بندش زند چنگ به سر دستی کشد در قبضه‌ای تنگ (ن: ۶۴۶)

ضبط «قبضه‌اش» در نسخ U: ۲۰۶، M: ۱۰۴، L: ۱۰۰ و T: ۳۷ آمده و عینی به‌درستی آن را ضبط کرده است (ک: ۲۰۹).

* سپهر جوهری پندار گشته ز نظم عسجدی بیزار گشته (ک: ۱۳۸)

ضبط مطابق L است. مصحح ضبط «بیدار» را به پانویس برده است. در نسخ U: ۱۸۶ و T: ۲۵ و نیاز کرمانی (ن: ۵۸۴) «بیدار» آمده که مناسب و درست است.

برخی از اشتباهات در تصحیح عینی به علت شباهت نوشتاری حروف است مانند شباهت «و» و «د»؛ از جمله:

* جنیب دَر در پیشم کشیدند وز آنگه باز درویشم ندیدند (ک: ۲۸۷)

معنی بیت نشان می‌دهد که ضبط درست «وار» است.

همچنین است در بیت زیر که شباهت «ف» و «ت» موجب ضبط نادرست در تصحیح نیاز و عینی شده است.

* شه چرخ گوهردار تنک‌پوش گدایان درش را حلقه در گوش (ک: ۱۹، ن: ۴۸۴)

ترکیب «تنک پوش» به جای «فنک‌پوش» ضبط شده است. «فنک» جانوری است بسیار موی که از پوستش پوستین سازند و بعضی گویند نوعی از پوست باشد که از سنجاب گرم‌تر و از سمور سردتر است:

نرم چون موی فنک گردد حجر بر پشت آن تیز چون خار خسک گردد گوهر در کام این (دهخدا، مدخل «فنک»)

* که ما هم جام روح‌افروز گیریم شب دیجور را نوروز گیریم (ک: ۱۳۷)

مطابق ضبط L است. نسخ U: ۱۸۶، M: ۸۹، T: ۲۴ ضبط کرده‌اند و به نظر می‌رسد «با» (ن: ۵۸۳) ضبط مرجح باشد.

* چو میمون گشت مال و بخت یارش طلب فرمود شاه بختیارش (ک: ۱۶۳)

ضبط فال که در نسخ U: ۱۹۳، M: ۹۴، L: ۹۲ و T: ۲۸ و تصحیح نیاز کرمانی (ن: ۶۰۶) آمده، درست است. کمال این ضبط را به پانویس برده است.

*بیا ای یار تا با هم بسازیم نسوزیم از غم و با غم بسازیم
(ن: ۶۲۸)

در نسخه‌ی اساس L: ۳۸ و T: ۳۵ و همچنین در تصحیح کمال عینی (ک: ۲۰۰) به جای دومین «غم» در مصراع دوم «هم» آمده است که کاملاً صحیح است زیرا از یک سو با «هم» در مصراع اول جناس تام است و از دیگر سو با «غم» در مصراع دوم مترادف است. کاربرد انواع جناس از ویژگی‌های سبکی خواجوی کرمانی است. ضبط در M: ۱۲ و U: ۷۳۲ «غم» است.

*سر شاخ گوزن آرد بر درش گذشته گوشه‌ها از گوشه‌ی گوش
(ن: ۶۱۵)

این بیت و بیت‌های قبل و بعد آن توصیف کمان‌گیری نوروز است در نبرد با اژدها و اینکه نوروز به قدری کمان را می‌کشد که گوشه‌های کمان از گوشه‌ی گوش او می‌گذرد. در نسخه‌های L: ۳۳، T: ۳۰، U: ۲۰، M: ۱۰۷ و ضبط عینی (ک: ۱۷۴) به جای «گذشته»، «گذشتش» آمده که با توجه به معنی بیت ضبط دقیقی است.

*من آن مرغم که جایم این قفس نیست کنم فریاد و کس فریادرس نیست
(ن: ۵۲۶)

نیاز در پاورقی آورده است که ضبط «این» در نسخه‌ی اساس L: ۱۴ به صورت «در» است. عینی نیز (ک: ۷۰) در تصحیح خود «در» را به کار برده است. اما حقیقتاً در همه‌ی نسخه‌های T: ۱۲، U: ۴۲، M: ۸۴ و L: ۱۴ آنچه ضبط شده «جز» است. حتی اگر عینی به دلیل بدخوانی «جز» را «در» خوانده باشد چه ضرورتی داشته است که نیاز آن را به «این» تغییر دهد.

۳. نتیجه

مهم‌ترین ایراد کار هر دو مصحح گرامی، کمال عینی و سعید نیاز کرمانی، این است که نسخه‌ی اساس را مبنای کار تصحیح خود قرار داده‌اند. گرچه نسخه‌ی اساس از نظر قدمت و صحت بر بقیه‌ی نسخ رجحان دارد ولی همچنان از گزند خطای کاتب در حفظ و ثبت اثر و محو شدگی در نتیجه گذر زمان، در امان نمانده است. این انتخاب دست محققین را برای استفاده از نسخه بدل‌های به‌مراتب بهتر و معتمدتر بسته نگه می‌دارد. به همین دلیل می‌بینیم که کمال عینی و نیاز کرمانی در مواقعی که ضبط سه نسخه از چهار نسخه یکی بوده و درست هم بوده، باز ضبط نسخه‌ی اساس را که نادرست بوده، در متن درج کرده و ضبط‌های درست را که در نسخ دیگر آمده، به پانویس برده‌اند.

نیاز کرمانی در استفاده از نسخه بدل‌ها بهتر و جسورانه‌تر عمل کرده ولی همچنان این محدودیت بر کار او نیز سایه افکنده است. با این توضیحات شاید بهتر بود این دو مصحح بزرگوار با فراهم آوردن نسخه بدل‌های بیشتر و کامل‌تر به جای قرار دادن نسخه اساس برای مبنای کار، از روش بینابین برای تصحیح بهره می‌جستند.

در مجموع ضعف‌های کار دو مصحح محترم بنا بر آنچه در مقاله گذشت در چند حوزه است:

۱. با توجه به اینکه نسخه اساس (ملک: ۷۵۰) در بعضی جاها مخدوش و ناخوانا است و بی‌دقتی کاتب نیز در آن دیده می‌شود برای تصحیح دقیق‌تر نیاز به نسخه بدل‌های بیشتر، کامل‌تر و معتبرتر است که متأسفانه دو تصحیح حاضر فاقد آن است.
 ۲. ایرادات فنی و حروف‌چینی، و بازنگری و ویراستاری نشدن در این دو اثر مشهود است.
 ۳. آگاه نبودن دو مصحح به رسم‌الخط کاتب و ویژگی‌های سبکی اثر، بدخوانی‌ها و خطاهای بسیاری را در متن موجب شده است.
 ۴. در دو تصحیح فراوان دیده می‌شود که ضبط کلمه‌های در نسخه اساس اشتباه بوده، دو مصحح ضبط صحیح را از نسخه‌های دیگر انتخاب کرده و در متن جایگزین نموده‌اند ولی هیچ اشاره‌ای به ضبط غلط در نسخه اساس نکرده‌اند.
 ۵. موارد بسیاری وجود دارد که ضبط نسخه بدل‌ها بی‌تردید بر نسخه اساس برتری دارد ولی نادیده گرفته شده است.
 ۶. ابیاتی در نسخه اساس وجود دارد که مصححین با نسبت دادن به نسخه‌های دیگر آن‌ها را در متن آورده‌اند و متذکر شده‌اند که در نسخه اساس نیامده است.
 ۷. در مواردی دیده می‌شود که ضبط نسخه اساس صحیح و دقیق است ولی دو مصحح بدون دلیل از آن عدول کرده و ضبطی دیگر و بعضاً اشتباه را از بقیه نسخ جایگزین کرده‌اند.
- نمونه‌های بیان شده بنا بر ظرفیت مقاله بخشی از نواقص کار دو تصحیح حاضر از گل و نوروز است. نقدهایی از این دست راهگشای کسانی خواهد بود که خواهان تصحیح متون هستند. همچنین ایرادات ذکر شده بر این دو تصحیح نشان می‌دهد این متن ادبی و ارزشمند نیازمند بازنگری و تصحیح مجدد و مقابله با نسخه بدل‌های بیشتر است.

پانوشتها

۱. نیاز کرمانی عنوان آن را «خمسۀ خواجه کرمانی» ضبط کرده است.
۲. برای جلوگیری از تراکم سطور و تکرار، از این پس تصحیح کمال عینی را به صورت (ک:) و تصحیح نیاز کرمانی را به صورت (ن:) نشان داده و شماره صفحه را قید کرده‌ایم.
۳. هر نمونه جدید را با علامت * نشان داده‌ایم.

منابع

- اسدی طوسی (۱۳۱۷) *گرشاسب‌نامه*، تصحیح حبیب یغمایی، تهران: انتشارات کتابفروشی بروخیم.
- تاریخ سیستان (۱۳۶۶) تصحیح محمدتقی بهار، تهران: انتشارات پدیده خاور.
- جامی، نورالدین عبدالرحمان (بی‌تا) *هفت اورنگ*، تصحیح مدرّس گیلانی، تهران: انتشارات سعدی.
- خاقانی، افضل‌الدین بدیل (۱۳۶۸) *دیوان*، تصحیح ضیاء‌الدین سجّادی، تهران: انتشارات زوآر.
- خالقی مطلق، جلال (۱۳۶۲) «گردشی در *گرشاسب‌نامه*»، *ایران‌نامه*، ش ۴، ص ۵۱۳ تا ۵۵۹.
- خواجه کرمانی (۱۳۷۰ الف) *گل و نوروز*، به اهتمام و کوشش کمال عینی، انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- خواجه کرمانی (۱۳۷۰ ب) *خمسۀ خواجه کرمانی*، به تصحیح سعید نیاز کرمانی، کرمان: دانشگاه شهید باهنر.
- خواجه کرمانی (۱۳۸۷) *روضه الأنوار*، تصحیح محمود عابدی، تهران: انتشارات میراث مکتوب.
- خواجه کرمانی (۸۰۸ هـ) *کلیّات*، نسخه خطی به شماره ۵۱۵۴ دانشگاه تهران.
- خواجه کرمانی (۹۵۳ هـ) *خمسۀ خواجه*، نسخه خطی به شماره ۴۱۵ کتابخانه سپهسالار.
- خواجه کرمانی (۹۷۰ هـ) *خمسۀ خواجه*، نسخه خطی به شماره ۹۲۶ کتابخانه مجلس.
- خواجه کرمانی، محمود (۷۵۰ هـ) *کلیّات خواجه کرمانی*، نسخه خطی به شماره ۵۹۸۰، کتابخانه ملک.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۶) *لغت‌نامه*، تهران: مؤسسه لغتنامه دهخدا.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۶۱) *نقد ادبی*، تهران: امیرکبیر.
- شاه نعمت‌الله ولی (۱۳۴۷) *دیوان*، به اهتمام جواد نوربخش، تهران: انتشارات خانقاه نعمت‌اللهی.
- ضیائی حبیب‌آبادی، فرزاد (۱۳۹۰) «معرفی و نقد دیوان عضد»، *گزارش میراث*، ش ۴۵، ص ۶۲ تا ۶۷.
- عطّار، فریدالدین (۱۳۵۹) *الهی‌نامه*، تصحیح هلموت ریتز، تهران: توس.